

چه کسی

مراجا بجا کرد؟

نویسنده: اسپنسر جانسون

مترجم: شمسی بهبهانی



ketabTala

چه کسی پنیر مرا جابه جا کرد؟

روشی حیرت‌انگیز برای
کنار آمدن با تغییر در کار و زندگی

دکتر اسپنسر جانسون
مترجم: شمسی بهبهانی

ویراستار: علی محتشمی



نشر اختران

سرشناسه	: جانسون، اسپنسر، ۱۹۲۸ - <i>Johnson, Spencer</i>
عنوان و نام پدیدآور	: چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد؟؛ یک روش حیرت‌انگیز برای برخورد با تغییر در گاز و زندگی شما!
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۷۷ ص.؛ مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۷۰-۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: تحول (روشناسی)
موضوع	: موققت - داستان
شاسه افزوده	: بهبهانی، شمسی، مترجم
شاسه افزوده	: محتشمی، علی، ویراستار
ردمندی کشوره	: ت ۱۳۸۸ ج ۲۲ ت ۳ / BF ۶۲۲
ردمندی دیوبی	: ۱۵۵ / ۲۲
شماره کاتالوگ ملی	: ۱۸۸۰۴۹۵

Who moved my cheese?

by *Spencer Johnson MD, Published by Doubleday.*

این کتاب ترجمه‌ای است از:



نشر اختران

چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد؟

نویسنده: اسپنسر جانسون
 مترجم: شمسی بهبهانی
 ویراستار: علی محتشمی
 طراح جلد: بهار بهبهانی
 چاپ سی‌ونهم ۱۴۰۱
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 چاپ چکاد

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ - طبقه ۱ - تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و ۰۹۰Akhtaraneh
 instagram: akhtaranehpublishing - www.akhtaranehbook.ir - mail: akhtaranehbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۷۰-۶-۹

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۸۰۰۰ تومان

این ترجمه را، با بضاعتی کم، تقدیم
می‌کنم به آقای ناصر خواجہ نوری کہ در
تازہ‌ای را بہ روی من گشود.

فهرست مطالب

- ۹ ابعادی از قسمت‌های ساده و پیچیده‌ی وجود ما
- ۱۱ داستانی در پس پرده‌ی داستان
- ۱۷ گردهمایی در شیکاگو
- ۲۱ چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد؟
- ۵۹ بحثی در عصر همان روز

ابعادی از قسمت‌های ساده و پیچیده‌ی وجود همه‌ی ما

در این داستان چهار شخصیت خیالی ترسیم شده‌اند.
موشها: «اسنیف» و «اسکوری»؛ و آدم کوچولوها: «هم» و «ها».
این چهار شخصیت برای نشان دادن قسمت‌های ساده و پیچیده‌ی
درون ما، بدون توجه به سن، جنس، نژاد یا ملیت در نظر گرفته شده‌اند.
ما گاهی اوقات ممکن است مثل اسنیف عمل کنیم که تغییرات را
زود بو می‌کشد، یا مثل اسکوری که به سرعت وارد عمل می‌شود.
گاه مانند «هم» می‌شویم که با انکار تغییرات در مقابل آنها
می‌ایستد، چرا که می‌ترسد که به طرف چیزی بدتر کشیده شود. یا مثل
«ها» که یاد می‌گیرد وقتی شرایط او را به طرف چیزی بهتر راهنمایی
می‌کند، خود را با آن تغییر وفق دهد.

داستانی در پس پرده‌ی داستان

بسیار مشتاقم داستانی را برای شما بازگو کنم که در پس داستان «چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد» وجود دارد، چرا که این کتاب در حال حاضر نوشته شده و در دسترس همه‌ی ما هست تا آن را بخوانیم و از آن لذت ببریم و در استفاده از آن با دیگران سهیم شویم.

این داستان را من مدت‌ها پیش از آن که کتاب «مدیر یک دقیقه‌ای» را به همراه اسپنسر جانسون بنویسم، از زبان او شنیده بودم و انتظار چاپ آن را داشتم. با خود می‌اندیشیدم که این داستان چقدر زیباست و تا چه حد می‌تواند سودمند باشد.

«چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد» داستانی است درباره‌ی تغییری که در یک هزارتو (ماز) رخ می‌دهد. در این هزارتو چهار شخصیت جالب در جستجوی پنیر هستند. پنیر استعاره‌ای است برای آن چه ما در زندگی می‌خواهیم داشته باشیم؛ خواه یک شغل باشد خواه یک رابطه، پول، خانه‌ای بزرگ، آزادی، سلامتی، آگاهی، آرامش روحی یا حتی فعالیت‌های ورزشی مانند دو یا بازی گلف.

هر یک از ما در مورد پنیر خود نظر خاصی داریم و در پی آن هستیم زیرا معتقدیم اگر آن را به دست آوریم راضی می‌شویم.

اغلب به آن دل بسته‌ایم و اگر آن راز دست بدهیم یا کسی آن راز ما بگیرد ضربه‌ی تکان‌دهنده‌ای به ما وارد می‌آید.

«هزارتو» در این داستان نشانگر جایی است که شما در آن برای رسیدن به اهداف خود وقت می‌گذرانید: این می‌تواند سازمانی باشد که در آن کار می‌کنید، اجتماعی باشد که در آن زندگی می‌کنید، یا رابطه‌هایی که در زندگی با دیگران دارید.

من بارها داستان پنیر را که شما اکنون در صدد خواندن آن هستید در سراسر دنیا در سخنرانی‌هایم تعریف کرده‌ام و به کرات از افراد شنیده‌ام که چه تأثیری در زندگی آنها داشته است. می‌خواهید باور کنید یا نه، این داستان کوچک تاکنون موجب نجات بسیاری از شغل‌ها، ازدواج‌ها و زندگی‌ها شده است.

یکی از این مثال‌های واقعی به چارلی جونز، گوینده‌ی برجسته‌ی تلویزیون ان. بی. سی. مربوط است. او اعلام کرد که شنیدن داستان «چه کسی پنیر مرا جابه جا کرد» موجب نجات حرفه‌ی او شده است. او گوینده‌ای منحصر به فرد است، اما اصولی که آموخت می‌تواند مورد استفاده‌ی همه باشد. ماجرای او چنین بود: چارلی در مسابقات المپیک گذشته به خوبی توانسته بود از عهده‌ی گزارشگری مسابقات دو و میدانی برآید. در نتیجه وقتی رئیسش گفت که او را از گزارشگری مسابقات دو و میدانی المپیک بعدی کنار گذاشته و به بخش شنا و غواصی انتقال داده است، غافلگیر و ناراحت شد؛ و چون این ورزش‌ها را خوب نمی‌شناخت نومید شد. احساس می‌کرد کارش را ارج نمی‌گذارند و از این موضوع عصبانی بود. می‌گفت: احساس می‌کردم این عمل منصفانه نیست و عصبانیت رفته‌رفته روی هر کاری که انجام می‌دادم، تأثیر می‌گذاشت.

این کتاب اثر نویسنده ای است که کتاب های پرفروش او به میلیون ها نفر کمک می کند تا حقیقت ساده زندگی را کشف کنند: **دکتر انیسبر جانسون**

اگر برای ورود به یک هزارتوی پیچ در پیچ (maze) نقشه اش را در دست داشتی، همه چیز خیلی آسان می نبود.
اگر همه کارهای روزمره ای که انجام می دهیم همیشه به همان روال انجام می شد، اگر آنها 'پنیر' را از جا بجا شدن بازمی داشتند.
اگر—
اما چیزها همیشه در حال تغییرند.

Who Moved My Cheese?



ناشران